

امام کاظم (ع) و معجزه‌های عجیب تر از عصای موسی



شناسه خبر: ۱۳۴۴۹۸ سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ - ۰۹:۰۳

از جمله معجزاتی که در طول تاریخ زندگانی اهل بیت علیهم السلام به صورتی عجیب جلوه می کند، ماجرای زنده شدن تصویر یک شیر از پرده روی دیوار و خوردن یک ساحر کافر است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، سراسر زندگانی اهل بیت وحی علیهم السلام آمیخته از شگفتی ها و معجزاتی است که معمولاً در لابلای برگ های تاریخ سیاسی آن انوار مقدس الهی گم می شوند. وقتی به تعداد این معجزات نگاه می اندازیم، به قدری زیاد و متعدد است که انبیای الهی به این میزان معجزات از خود بروز ندادند و زمانی که به کیفیت آنها دقت می کنیم، آن را بسیار متمایز از سایر معجزات انبیاء و با کیفیتی عجیب تر می بینیم، به گونه ای که گویی جز اهل بیت وحی علیهم السلام توان چنین جنس معجزاتی نداشتند.

به عنوان نمونه خود قرآن معجزه ای است که یک بار بیشتر در تاریخ تکرار نشد و لذا برترین کتاب مقدس شناخته شد. یا معجزه های همچون شق القمر یا شکافته شدن ماه که عموم محدثین و علمای اسلامی از شیعه و سنی درباره وقوع این معجزه از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ادعای اجماع و تواتر روایت را کرده اند. هرچند در برخی معجزات مانند ردّ الشمس اشتراکاتی در ماجرای سلیمان نبی علیه السلام می بینم. این معجزه یک بار توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و بار دیگر توسط امیر مؤمنان علیه السلام به اذن الله رقم خورد و طی آن خورشید از مکان خود در محل غروبش به صورت موقت به سمت مشرق بازگشت.

از جمله معجزاتی که در طول تاریخ زندگانی اهل بیت علیهم السلام به صورتی عجیب جلوه می کند، ماجرای زنده شدن تصویر یک شیر از پرده روی دیوار و خوردن یک ساحر کافر است. این معجزه توسط امام کاظم علیه السلام اتفاق افتاد.

این روایت را شیخ صدوق در امالی خود به نقل از علی بن یقطین می گوید. علی بن یقطین محدث، فقیه، متکلم و از بزرگان شیعه در دوران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) بود که با وجود شیعه بودن، از وزیران حکومت عباسی و مورد اعتماد آنان نیز محسوب می شد. ابن یقطین منزلت والایی نزد ائمه و عالمان شیعه دارد.

وی می گوید هارون الرشید دستور داد مردی برای او حاضر کنند تا امام کاظم علیه السلام را در مجلس شرمنده کند [و اینگونه جایگاهی که امام بین مردم داشت از بین برود]. مرد ساحری را برای او آوردند. هنگامی که سفره غذا انداختند، مرد ساحر نیرنگی با قرص های نان کرد که خادم امام هر وقت می خواست نانی بردارد، از جلوی دستش می پرید. هارون از خنده و شادی از جا پریده بود. پس از مدت اندکی امام کاظم (ع) سر بلند کرد و به تصویر شیری که بر یکی از پرده ها بود فرمود: ای شیر خدا، دشمن خدا را بگیر؛ يَا اَسَدَ اللّٰهِ خُذْ عَدُوَّ اللّٰهِ. آن صورت از تصویر بیرون پرید و مانند درنده های بزرگ جادوگر را بلعید. هارون و همدستانش غش کردند و از ترس عقل آنها پرید. پس از مدتی که به هوش آمدند هارون به امام گفت: به حق خودم بر تو درخواست می کنم از این صورت بخواهی آن مرد را برگرداند. امام فرمود: اگر عصای موسی چوب دستی های جادوگران را که بلعیده بود برگرداند، این صورت هم آنچه بلعیده، برمی گرداند.

طبق این روایت، جان بخشیدن به تصویری که روی پرده نقش بسته مسئله شوخی برداری نیست. به این تصویر ابتدا باید رگ و استخوان و سایر اجزای بدن با تمام جزئیاتش تعلق گیرد. بعد به آن روح دمیده شود. این شیر باید بالغ باشد. بعد از جهانی ناپیدا وارد عرصه دنیا شود، یک ساحر را شکار کند، بعد به حالت خود یعنی عدم بازگردد. در ماجرای عصای موسی علیه السلام حداقل یک شیء مادی بود که البته با تبدیل شدن به مار، خود موسای نبی لحظه ای به عقب باز می گردد تا از آن موقعیت دور شود، اما در اینجا امام بسیار مقتدرانه و با اطمینانی به مراتب بیشتر از موسای نبی به تصویر شیر امر می کند تا آن اتفاق را رقم بزند.

متن حدیث:

استدعى الرشيد رجلاً يبطل به امر أبى الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام و يقطعهُ و يخجلهُ فى المجلس فانتدب له رجلاً معزماً فلما أحضرت المائدة عمل ناموساً على الخبز فكان كلما رام خادماً أبى الحسن عليه السلام تناول رغيف من الخبز طار من بين يديه و استقر هارون الفرخ و الضحك لذلك فلم يلبث أبو الحسن عليه السلام أن رفع رأسه إلى أسد مصوراً على

بعض الستور فقال له يا أسد الله خذ عدو الله قال فوثبت تلك الصورة كأعظم ما يكون من السباع فافتترست ذلك المعزم فخر هارون و ندماؤه على وجوههم - مغشياً عليهم و طارت

عقولهم خوفاً من هول ما رأوه فلما أفاقوا من ذلك بعد حين قال هارون لأبى الحسن عليه السلام أسألك بحقى عليك لما سألت الصورة أن ترد الرجل فكان ذلك أعمل الأشياء في إفاقه نفسه.

انتهای پیام/

انتهای پیام/